

هنگام سخن در مورد ادبیات فارسی معاصر اولین چیزی که به ذهن ما خطور میکند تعیین مرزهای تاریخی آن به طور مستقیم و سپس طبقه بندی صحیح و علمی آن است، چون ما از نظر مقیاس ها و معیارهای روش شناختی، نیازمند شناخت مرزهای تاریخی و طبقه بندی آنها جهت ارائه تعریف

ادبیات در زمان مشروطیت ، خود دارای خصوصیات ، ویژگی ها و فضای خاص مخصوص به خود است که آن را به یک سبک ادبی مستقل تبدیل می کند ، که از نظر توالی تاریخی، بعد از مدرسه بازگشت ادبی پدید آمده است و بعد از آن ادبیات معاصر فارسی به منصفه ظهور می رسد . شاعرانی چون ادیب الممالک فراهانی ، میرزا زاده عشقی ، اشرف الدین حسینی (نسیم شمال)، ایرج میرزا، عارف قزوینی و ابوالقاسم لاهوتی به دلیل سبک و شیوه نگارش، از شاعران عصر مشروطه به شمار می روند. چنانچه نویسندگانی چون میرزا ملکم خان کرمانی، عبد الرحیم طالب زاده، حاج زین العابدین مراغه ای و میرزا ملکم خان ناظم الدولة از نویسندگان مشهور زمان مشروطیت به شمار می روند ، با این حال تعیین مرزهای تاریخی دقیق و علمی به معنای کلمه جهت ادبیات معاصر فارسی امری دشوار محسوب می شود و تقریباً محال است. در حقیقت شروع سلسله پهلوی آغاز ادبیات معاصر فارسی محسوب می شود. بر این اساس میتوان به تقسیم بندی زیر دست یافت:

۲- ادبیات در نیمه اول پادشاهی، محمد رضا تا ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲

۳- ادبیات در نیمه دوم پادشاهی محمد رضا از ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ تا پیروزی انقلاب اسلامی در سال

۱۳۵۷

۴- ادبیات بعد از انقلاب

امکان طبقه بندی شعر معاصر ایران از جوانب مختلف به شکل زیر وجود دارد :

- ۱- از لحاظ محتوا و مضمون : در این طبقه بندی ، شعر به اجتماعی ، سیاسی ، عاشقانه و ترانه ، اخلاقی و آموزشی ، حماسی (حماسه ملی و مذهبی) و شعر کودکان تقسیم می شود.
- ۲- از نظر شکل و قالب ظاهری : ما می توانیم شعرهای موجود در این طبقه بندی را به دو بخش جامع ، کلاسیک و مدرن تقسیم کنیم ، منظور از شعر مدرن شعر شاعرانی است که از سبک نمایوشیچ و انقلاب وی در شعر پیروی می کنند ، در حالی که شعر کلاسیک در شعر معاصر فارسی شامل شعر شاعران و ادیبانی است که با قالب شعر خویش را به سبک سنتی و کلاسیک می سرودند و از جریان شعری نیمایی پیروی نکردند اشخاصی چون دکتر مهدی حمیدی شیرازی، رهی معیری، امیری فیروزکوهی، دکتر صورتگر، شهریار، دکتر رعدی آذرخشی، مهرداد اوستا و علی معلم.

ما می‌توانیم شعر معاصر فارسی را از لحاظ شکل، قالب و وزن در جدول زیر طبقه‌بندی کنیم:

(د) موج ناب و ...

۳- از لحاظ اسلوب: از این باب میتوانیم شعر معاصر عربی را به این معنا تقسیم بندی کنیم که برخی شاعران در شعر خویش سبک ادبی ویژه دارند خاصه اینکه شعر آنان از لحاظ وزن و مقیاس های نقد ادبی و اسالیب، بر ذوق و سرشار از ظرافت و نبوغ است. از این میان میتوان به رهی معیری،

مهدی حمیدی شیرازی، فریدون توللی، احمد شاملو، فروغ فرخزاد، مهدی اخوان ثالث، سلمان هراتی، قیصر امین پور و حسن حسینی اشاره نمود، درحالی که برخی دیگر شاعرانی تقلیدی و سنتی هستند و برخی از آنان هم شعری پر از عاطفه و بدون فایده دارند:

جمعی شکوهن شعر و جلال هنر شدند جمعی دگر چو ما و ز ما هم بتر شدند

(نگاه کنید سبک های شعر فارسی، دکتر سید اسماعیل قافله باشی، ص ۱۷۱)

سابقه پژوهشی:

ویژگی های سبکی شعر نسیم شمال، علیرضا عباسی مقدم، سبک شناسی شعر قیصر امین پور (باتکیه بر نوآوری بلاغی)، چناری عبدالامیر.

روشهای ادبی و نقدی در شعر معاصر فارسی:

در زیر به شرح روش های ادبی و نقدی در شعر معاصر فارسی می پردازیم:

۱- شعر کلاسیک در ادبیات معاصر: شعرتعدادی از شاعران معاصر از لحاظ شکل و وزن و قافیه همان شعر کلاسیکی و سنتی فارسی است ولی از لحاظ محتوا و احیانا سبک ادبی از شعر سنتی و قدیمی بعید می باشد، بدون تردید نوآوری در مضمون و محتوا و سبک به این معنا نیست که همه اشعار آنان باید از این خصلت برخوردار باشد بلکه در شعر آنان اغلب سبک و جو شعر کلاسیکی هم وجود دارد و چه بسا بسیاری از غزلیات آنها با غزلیات شعر قدیم مطابقت داشته باشد و از سبک ادبی عراق (مکتب ادبی عراق) تقلید نمایند یا گاهی از سبک ادبی هندی (مکتب ادبی هند) پیروی نمایند، ما همچنین نوآوری در مضمون و مباحث را در اشعار آنها بسیار مشاهده می کنیم.

نکته دیگری که در این زمینه باید به آن اشاره کرد این است که شاعران سنتی ادبیات معاصر فارسی را می توان به دو گروه تقسیم کرد: تعدادی از آنها گرچه شعری کلاسیکی به لحاظ قافیه، ردیف، وزن و قالب، می سرایند، ولی مخالف جنبش مدرنیته آغاز شده توسط نیمایوشیچ نیستند، حتی بعضی اوقات متوجه می شویم که تا حدودی تحت تأثیر آن قرار گرفته اند، در حالی که عده ای دیگر تصور میکنند جریان ادبی نیمایی یک جریان خطرناک و خرابکارانه است به شدت با آن مخالفت ورزیدند بعنوان مثال دکتر مهدی حمیدی شیرازی یکی از افرادی است که با جریان ادبی نیمایی به شدت مخالفت ورزیده و به شکلی علنی اعتراض کرد و ما این اعتراض را به شکل واضح در قصیده «مصاحبه و شوخی با نیما» و متن «پس از یک سال» می بینیم. برخی از این متن ها بعنوان مثال ذکر می شود:

به شعر اگر چه کسی آشنا چو نیما نیست / سوای شعر خلافی میانه ما نیست

اگر چه واسطه انس ما همان شعر است / میانمان سر آن گفتگوست دعوا نیست

درحین سرودن قصیده به بیان افکار و نظرات خویش پیرامون شعر می پردازد و در مورد شعر نیمایی چنین سروده است:

چنین سخن که تو را هست بوالعجب سخنی است / که باز با همه شیرینت گوارا نیست

(یس از یک سال، ص ۱۵۵)

دکتر حمیدی با جدیت بر التزام به وزن و قافیه در شعر تاکید میکند و این دو را در حقیقت «پایه های شعر» می داند ایشان در کتاب «فنون شعر و کالبدهای پولادین» در این خصوص چنین تصریح نموده است: «میخواهم در این خصوص نکته ای روشن نموده و بیان کنم که بنده از جمله کسانی نیستم که التزام به وزن و قافیه را برای مفاهیم و معانی شعری وضع کرده است و ساخت دست من نیست چیزی که این مفاهیم و معانی را وضع کرده همان عملکرد نوابغ ادبی و بزرگان شعر فارسی در طول دوران است، من هیچ اعتقادی به الزامی بودن این مفاهیم ندارم و در نظر من این مفاهیم خود زندگی و حقیقت حیات هستند به نظر بنده وزن و قافیه برای شعر بمنزله چنگال و دندان برای شیر است و منقار و چنگال برای عقاب و بال و دم برای هواپیما و سکان برای کشتی و عقر به ها برای ساعت است.

(فنون شعر وکالدهای یولادین ان، دکتر مهدی حمیدی ، ص ۵۲)

ملک الشعرای بهار در اثنای جوابیه خویش به صادق سرمد که او را به نوگرایی و تجدد فرا میخواند، چنین نقل میکند :

شاعرانی را که بر دی نامشان کردی از روی ادب اگر امشان

بود طرزی عامشان

جمله در وزن و روی هم مشربند در عبارات دری هم مکتبند

گر جدا در مطلبند

گر نو آید در نظر شعر کسی احترامی نیست در شعرش بسی

ہست فکرش نور سے،

شعر نو و خوب از نظر ملک الشعرای بهار شعری است که دارای تفکر و نظر جدید و نو باشد همانگونه که به نظر می رسد به دلیل عدم التزام به قوانین وزن و قافیه ایشان مخالف شعر نیماییوشیخی هستند چنین که میگوید :

هر که را فکر نوی بود وقوی
شهرنی می کرد در نظم وروی

چون جناب مولوی

(دیوان ملک الشعرا بهار، ج ۲، ۲۳۴)

این مجادله هنوز هم ادامه دارد و در کتاب ها و روزنامه ها به شکل دائمی مورد بررسی قرار میگیرد. حل این مشکل به دست نویسنده است چه بسا نیازمند تعریفی کامل و مفید و همه جانبه از شعری باشد که محافل ادبی و هنری را از زمان ارسطو تا کنون مزین و محلل نموده است.

ا-قصیده در زمان معاصر رایج بود چه قبل از انقلاب اسلامی یا بعد از آن برخی از شاعران قصاید محکم و متین و زیبا و نوآوری به ساحت ادبیات فارسی تقدیم نمودند و مضمون های جدید و نویی به آن اضافه نمودند شاعرانی مانند: بدیع الزمان فروزانفر، جلال الدین همایی، حمیدی شیرازی، مظاهر مصفا، امیری فیروزکوهی، لطفعلی صورتگر، رعدی آذرخشی، حسین مسرور، نعمت الله میرزاده، مهرداد اوستا، علی معلم و حمید سبزواری از بهترین شاعران ادب فارسی معاصر به شمار می روند. در زیر برخی از ابیات قصیده دکتر مظاهر مصفا ذکر می شود.

بر در مادر غریبم پیش مادرند غریب در بر دختر غریبم همره همسر غریب
نی به سوی آسمانم ره نه در خاکم قرار از پدر مانده جدایم در بر مادر غریب
با کله بیگانه ام با پیرهن ناآشنا با سرای وبام ودر با بالش وبستر غریب
فتنه تنهائیم از صادر ووارد ملول عاشق بی رنگیم با اسود واحمر غریب
خاکم از شش گوشه گینی است گویی ز آن جهت دست من با دیده بیگانه است وپا با سر غریب
اشک خاک آلوده ام افتاده از چشم زمان زیر پای رهروان توده اغبر غریب
اهل پوچ آباد هیچستانم از اقلیم نیست یا ز هیچ آباد پوچستان به دنیا در غریب

(مجله آینده، سال دوازدهم، شماره چهار تا شش، ص ۱۸۶)

ب- غزل : سبک غزل در شعر معاصر فارسی رواج زیادی یافت و یکی از سبک های زیبا و محبوب به شمار می رود ، بسیاری از شعرهای غزل سرشار از عواطف و احساسات هستند و گاهی از لحاظ مضمون و محتوا هم نواور محسوب می شوند شاعرانی چون : رهی معیری، علی اشتری فرهاد، هوشنگ ابتهاج، سیمین بهبهانی، شهریار، بژمان بختیاری، مشفق کاشانی، اسماعیل خوئی، قیصر امین پور، احمد عزیزی، حسن حسینی، علی رضا قزوه وسپیده کاشانی از پیشگامان شعر غزل در ادب فارسی محسوب می شوند و در ادامه برخی از ابیات قصیده غزلی مشهور و زیبای شهریار ذکر می شود

آمدی جانم به قربانت ولی حالا چرا بی وفا حالا که من افتاده ام از پا چرا
نوشدارویی وبعد از مرگ سهراب آمدی سنگدل این زودتر می خواستی حالا چرا
عمر ما را مهلت امروز وفردای تو نیست من که یک امروز مهمان توام فردا چرا
نازنینا ما به ناز تو جوانی داده ایم دیگر اکنون ۱۱۳ نیا ۱۱۳ نان ناز ۱۱۳ نیا ما چرا
آسمان چون جمع مشتاقان پریشان می کند در شگفتم من نمی پاشد ز هم دنیا چرا
شهریارا بی حبیب خود نمی کردی سفر این سفر راه قیامت می روی تنها چرا

(کلیات دیوان شهریار، ص ۱۶۳)

ج- مثنوی : میتوان گفت قالب مثنوی پرکاربردترین قالب های مورد استفاده شاعران در شعر معاصر است .از جمله مثنوی های معروف میتوان به مثنوی های حماسی، تعلیمی، عرفانی، غنایی و غزلی اشاره نمود.به نظر می رسد که (مثنوی غزلواره)یا مثنوی غزلی –غنایی سیطره بیشتری بر ساحت شعر معاصر داشته باشد ، چنانچه شاعر در آن به وصف احساسات عاشقانه و عواطف ناب در

قالب مثنوی پرداخته است و آن را زیبایی خاصی بخشیده است مثنوی هایی چون : «قصه اشک فسرده خون سرد» سروده نیمایوشیج ، مثنوی های «مرداب» و «عاشقانه» از فروغ فرخزاد، «ساز محجوبی» از رهی معیری، «روح مجنون رو سفید از عشق ماست» از علی موسوی گرمارودی و مثنوی های حماسی عرفانی بعد از انقلاب اسلامی اشاره نمود که به توصیف شهیدان پرداخته است و از بهترین مثنوی ها در ادبیات معاصر فارسی است در زیر به برخی از نمونه های این مثنوی ها اشاره می شود :

ای شب از رویای تو رنگین شده سینه از عطر توام سنگین شده
ای به روی چشم من گسترده خویش شادیم بخشیده از اندوره بیش
همچو بارانی که جوید جسم خاک هستیم ز آلودگی ها کرده پاک
ای در بگشوده بر خورشیدها در هجوم ظلمت تردیدها
با توام دیگر ز دردی بیم نیست هست اگر جز درد خوشبختیم نیست

فروغ فرخزاد

(دیوان اشعار فروغ فرخزاد، ص ۴۳۰) ۱۱۴

با که گویم بی تو چون آشفته ام کی به خامان سرّ این غم گفته ام
بی تو جانم شعله ای سوزان شده وز لهیبش جسم و جان پیچان شده
ای دریغا آب اشکی ونمی کاین لهیب از آن فرو بنشانمی
در همه تن فطره وارد آب کو آب را تنها درون جو بجو
نیستم جو تا رود آبم ز سر آتشم آتش که می سوزد جگر
آنچه در رگهای من جاری بود شعله های آتشی کاری بود
آتش است اندر رگم جاری نه خون رو نه می ریزم چو آب ار رگ برون

علی موسوی گرمارودی

(سرود رگبار، ص ۱۱۹)

می وزد در من نسیم یاد تو می شوم فریاد در فریاد تو
خاطرم عاطر شود زین رهگذار با تو شوق رویشم روح بهار
آسمان پر می شود از بال من عرشیان بیخود شوند از حال من
سید لب تشنگان کربلا در حصار کفر می خواند مرا
می سراید عشق را از نای خون می تراود از لبش آوای خون

آشنای کربلا گام من است همره باد سحر نام من اسم
 آفرینش را سرودی دیگرم در نماز خون سجودی دیگرم
 موج ناآرام بحر خون منم معند اوجم شکوه بودنم
 العطش لب تشنه ام جامی دهید از شکوه وصل پیامی دهید

صدیقه وسمقی

(جنگ سوره - پنجم، ص ۱۰۷)

۲- شعر فارسی نو : شعر فارسی نو به دست نیمایوشیج (پدر بی بدیل شعر نو) تاسیس شد و به دست یارانش ادامه داده شد و به مرحله کمال و پیشرفت رسید شعر نو معاصر فارسی را در دیدگاه کلی میتوان چنین تعریف نمود شعری است که از لحاظ شکل و قالب و مضمون و حتی سبک و بیان تماماً با شعر سنتی و کلاسیک در تضاد است، شعر نوین را به شهر نیمایی شعر آزاد و سفید و موج نو و موج ناب تقسیم بندی نموده اند .

۱۱۵

مهمترین ویژگی های سبک ادبی در شعر نوین فارسی :

أ- از لحاظ قالب، شکل و وزن : شعر نیمایی به اوزان عروضی متصف است (یعنی به وزن های عروضی پایبند است) ولی به تعدد مقطع ها در بیت های شعری ملزم نمی باشد قطعه زیر به روشنی این مطلب را نشان میدهند :

سلامت را نمی خواهند پاسخ گفت

سرها در گریبان است

کسی سر برنیارد کرد پاسخ گفتن و دیدار یاران را!

نگه جز پیش پا را دید نتواند

که ره تاریک ولغزان است

و گر دست محبت سوی کس یازی

به اکراه آورد دست از بغل بیرون!

که سرما سخت سوزان است

مهدی اخوان ثالث

(زمستان، ص ۹۷)

همانگونه که ملاحظه می شود همه این ابیات از بحر هزج می باشد ولی اندازه قطعه ها با هم برابر نیست در حالی که وزن عروضی در شعر آزاد و سفید موجود نیست ولی از نغمه و موسیقی و لحن زیبایی برخوردار است که در حد خویش نوعی از انواع وزن و موسیقی این اشعار به شمار می رود ، در اینجا به برخی از نمونه های شعری اشاره می شود :

آب را گل نکنیم

در فرودست انگار ، گفتی می خورد آب

یا که در بیشه دور ، سبزه ای پر می شوید

یا در آبادی ، کوزه ای پر می گردد

سهراب سپهری

(هشت کتاب، ص ۳۴۵)

۱۱۶

خارها

خوار نیستند

شاخه های خشک

چوبه های دار نیستند

میوه های کال کرمخورده نیز

روی دوش شاخه بار نیستند

پیش از آنکه برگهای زرد را

زیر پای خویش سرزنش کنی

خش خشی به گوش می رسد

برگ های بی گناه

با زبان ساده اعتراف می کنند

خشکی درخت

از کدام ریشه آب می خورد

×××

قیصر امین پور

(گزیده اشعار فروغ فرخزاد، ص ۴۳۶)

پس آفتاب سرانجام

بر هر دو قطب ناامید نتابید
تواز طنین کاشی آبی تهی شدی

xxx

از کوچه های چادر و نجوا
 رازی به برگ نارنج
 رازی به آسمان آینه می گویم
 از کوچه های چادر و نجوا
 راهی به باغ نارنج
 راهی به سیب راز
 راهی به حوض آینه باید شد

(وصف گل سوری، ص ۱۲۰)

بالتبع همه اشعار آزاد و سفید از لحاظ موسیقی غنایی برابر نیستند برخی از آنها لحن و موسیقایی کمتر از برخی دیگر دارند و نمونه آن اشعار احمد شاملوست که در اشعارش بر لحن و موسیقی و وزن تاکید ندارد و این درحالی است که فروغ فرخزاد بر لحن و موسیقا و وزن بیشتر تاکید دارد .

ب- از لحاظ صورخیال (تصویرگری ها) : صور خیال در شعر معاصر بخصوص در شعر پیشگامان آن، بسیار بکارگرفته شده است ، اشعار ادیبانی چون احمد شاملو، سهراب سپهری، فروغ فرخزاد، دکتور شفیعی کدکنی، قیصر امین پور، سلمان هراتی، حسن حسینی و غیره سرشار از صور خیالی و تشبیه های زیبا و مبتکرانه و نوآور است .

استعاره هم در شعر معاصر نوین به شکل زیادی مورد استفاده قرار گرفته است میتوانیم استعاره را بارزترین ویژگی های شعر بدانیم ، در زیر به برخی از ابیات دارای استعاره اشاره می کنیم :

هنوز در فکر آن کلاغ ام در دره های یوش

با قیچی ی سیاه اش
 بر زردی برشته گندم زار
 با خش خشی مضاعف
 از آسمان کاغذی مات
 قوسی برید کج، و رو به کوه نزدیک
 با غار غار خشک گلوی اش
 چیزی گفت که کوه ها بی حوصله
 در زل آفتاب تا دیرگاهی آن را با حیرت
 در کله های سنگی شان تکرار می کردند

احمد شاملو

(دشنه در دیس، ص ۴۲)

۱۱۸

دست تابستان يك باد بزن پیدا بود
 سفر دانه به گل
 سفر پیچك این خانه به آن خانه
 سفر ماه به حوض
 ریزش تارك جوان از پل خواب
 پرش شادی از خندق مرگ
 گذر حادثه از پشت کلام

سهراب سپهری

(هشت کتاب، ص ۲۸۲)

استفاده زیاد از استعاره و کنایه و آرایه های ادبی مشابه برخی اوقات منجر به ابهام و پیچیدگی شعر معاصر شده است .

ج- عدم مراعات قواعد زبان فارسی : بعضی اوقات ملاحظه می شود که برخی از شاعران شعر نوین در نگاشته های خویش هیچ تاکید بر قواعد زبان شناسی ندارند یا بینش ادبی ساده ای هم در جهت رعایت این قواعد ندارند و تنها ترکیبات و قطعه هایی مغایر با قواعد زبان فارسی آورده اند ، این امر به شکل واضح در شعر شاعران قبل از انقلاب و حتی بعد از انقلاب رویت می شود احمد شاملو به شکلی خاص به این نوع ترکیب ها معروف است .

119

بهار شد بهار شد وطن چو لاله زار شد تا که شمارد این همه لاله بیشمار را

به خون رقم زدند تا قصه روزگار من
 بخوان بخوان ز دفترم شوکت این تبار را
 خصم پلید را بکش به چاه شب بیفکنش
 ز نیستی بکش بر او پرده استتار را
 نشسته خصم خاروش به ساقه نگاه تو
 به حربه مقاومت بکن ز ریشه خار را
 سلاح گلفشانان همیشه بوسه می زند
 به دوش و دستهایان پینه افتخار را
 اوج دعای من تویی تو ای طلّیعه فلق
 به سینه تو دیده ام زلال چشمه سار را
 سوخته پر منم منم به شعله مراد خود
 وه که به جان خریده ام لذت این شرار را
 یوسف کربلا مگر به پیشباز آمده
 که عطر جامه اش چنین برد ز ما قرار را
 به خون وضو گرفت تا برادر شهید من
 به اشک شویم این زمان ز چکمه اش غبار را
 سپیده در سپیده دم طلوع آفتاب بین
 که سیل نور می کند ریشه شام تار را

سپیده کاشانی

(جنگ سوره - پنجم، ص ۶۸)

ما شهادت را خریدار آمدیم
 پای کوبان بر سردار آمدیم
 کربلا در ماست ما در کربلا
 صد نیستان نینوا در کربلا
 در نمازستان اوجان می دهیم
 در نیایش جان به جانان می دهیم
 با چراغ لاله شبها سوختیم
 تا شهادت را از او آموختیم
 هر که چون ما با شهادت آشناست
 در بهشت عشق مهمان خداست

مشفق کاشانی

(هفت بند التّهاب، ص ۷۱)

نوشتن نور ناب کاری است شگفت
 این برشش را جواب کاری است شگفت
 تو گونه یک شهید را بوسیدی
 بوسیدن آفتاب کاری است شگفت

قیصر امین پور

(جنگ سوره - پنجم، ص ۲۴)

۲۲۱

پژوهشگر در این پژوهش از روش توصیفی و تحلیلی در نگاشتن استفاده نموده است و از منابع فارسی مخصوص شاعران این دوره ادب فارسی معاصر بهره برده است ، پژوهشگر ادعا نمیکند که پژوهش عاری از خطا است ولی امید است مورد استفاده پژوهشگران و محققان در زمینه ادبیات فارسی قرار گیرد . از خدا خواهیم توفیق ادب .

- ادبیات امروز ایران ، دکتر محمد حقوقی، نشر قطره، تهران، ۱۳۷۷
- پس از یک سال (دیوان حمیدی) ، دکتر مهدی حمیدی شیرازی، شرکت انتشارات پازنگ، چاپ اول، تابستان، ۱۳۶۶.
- جنگ سوره – پنجم (مجموعه از شعر ، داستان و...) واحد انتشارات حوزه اندیشه و هنر اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۶۱.
- دشنه در دیس، احمد شاملو، انتشارات مروارید، چاپ دوم، ۱۳۶۶
- دیوان اشعار فروغ فرخزاد، با مقدمه بهروز جلالی، انتشارات مروارید، چاپ سوم، ۱۳۷۳

- دیوان غنی کشمیری ، به کوشش احمد کرمی ، سلسلہ نشریات ماہ، چاپ اول، ۱۳۶۲
- دیوان ملک الشعرا بہار، موسسہ انتشارات امیر کبیر، تہران، ۱۳۳۵
- زمستان، مہدی اخوان ثالث انتشارات مروارید، چاپ یازدہم، ۱۳۷۰

- سبک های شعر فارسی، دکتر سید اسماعیل قافله باشی، دکتر اسماعیل قافله باشی، انتشارات حدیث امروز، قزوین، چاپ اول، ۱۳۸۰
- سرود رگبار، علی موسوی گرمارودی، انتشارات رواق، چاپ دوم، بدون تاریخ.
- فنون شعر وکالبدهای پولادین ان، دکتر مهدی حمیدی شیرازی، انتشارات گلشانی، تیرماه، ۱۳۶۳
- کلیات دیوان شهریار، مجموعه پنج جلدی، به تصحیح خود استاد، چاپ ششم، بدون تاریخ
- مجله آینده، سال دوازدهم، شماره چهار تا شش.
- نگاهی تازه به بدیع، دکتر شمیسا، انتشارات فردوسی، تهران، چاپ اول، ۱۳۶۸
- وصف گل سوری، منوچهر آتشی، انتشارات مروارید، چاپ اول، ۱۳۷۰
- هشت کتاب، سهراب سپهری، کتابخانه طهوری، چاپ نهم، ۱۳۷۰.
- هفت بند التهاب، عباس مشفق کاشانی، کنگره، بزرگداشت سرداران شهید استان تهران، کمیته انتشارات، چاپ دوم، ۱۳۷۶